

گام دوم

گام دوم ۱۴۴۸

قدم به قدم با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۲۹)

نسخه درمان اقتصاد ایران

صفحه گام دوم انقلاب کوششی است رسانه‌ای جهت تبیین و شرح بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شنبه‌های هر هفته در تبیین این بیانیه با ما همراه باشید.



اقتصاد

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشتر اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیسرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و سوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه

وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر در آمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد و دانش‌بنیان شدن آن، مرهمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت و برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌هاست. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت فسادستکاری و تسلیم‌نشدن در برابر دشمن است، پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی ناخوشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هر چند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود. (بیانیه گام دوم انقلاب)

چنین شرایطی حمایت از صنایعی که شاید توجیه اقتصادی قوی هم ندارند، منطقی می‌شود. تولید ملی رکن اصلی برای پیشرفت (توسعه پایدار) یک کشور و بقای یک ملت است. تولید ملی قلب تپنده یک اقتصاد است و جریان تولید ملی مانند جریان خون در بدن انسان است و اگر تولید ملی متوقف شود، کل سیستم اقتصادی متوقف می‌شود و حتی اگر چرخه و جریان تولید ملی (تبدیل مواد خام به کالای با ارزش افزوده و تبدیل کالا به پول و سپس پول به کالا در درون اقتصاد) کند شود، حیات اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود. در واقع نمره اصلی یک اقتصاد سالم، کالاها و خدماتی است که تولید می‌کند و دروازه ورود به اقتصاد بین‌المللی داشتن یک هسته مرکزی مقتدر به نام تولید ملی است.

تقسیم‌بندی سه‌گانه جوامع بر اساس تولید

تولید ملی از دو جنبه مهم قابل ارزیابی است:

- ۱- توان تأمین نیازهای داخلی
- ۲- برون‌گرایی در اقتصاد

کشورها یا ملت‌ها بر اساس ابعاد فوق به سه دسته قابل تفکیک هستند:

۱- ملتی که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی قادر به تأمین نیازهای سایر ملت‌ها نیز است، این کشور و ملت در مسیر رشد و توسعه فزاینده قرار دارند و قادر خواهند بود علاوه بر قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی و در مرحله بالاتر به قدرت فرهنگی و اجتماعی تبدیل شوند.

۲- ملت یا کشوری که توانایی و امکان تأمین نیاز دنیای خارج را ندارد، فقط قادر به تأمین نیازهای داخلی خود است، به طوری که در تأمین نیازهای خود محتاج دنیای خارج نیست. چنین اقتصادی با تأکید بر تولید ملی و داخلی خود می‌تواند در یک مسیر ثابت به حیات اقتصادی خود ادامه دهد و امید کسب توانایی رقابت و ورود به عرصه بین‌المللی و صادرات کالاها و خدمات خود به دنیای خارج را در آینده داشته باشد.

۳- گروه سوم ملتی است که نه تنها توانایی و امکان تأمین نیازهای دنیای خارج و صادرات کالاها و خدمات را ندارد بلکه توانایی تأمین نیازها و کالا و خدمات داخلی خود را نیز ندارد. عدم توانایی فوق می‌تواند ناشی از عدم توانایی بخش عرضه اقتصاد یا عدم تأمین بخش تقاضای اقتصاد به تولیدات داخلی به دلایل مختلف از جمله قیمت بالاتر، عدم کیفیت، عدم اعتماد به تولیدکننده و عدم تطابق کالا با سلیقه و فرهنگ مصرف‌کنندگان باشد، البته اگر کالاها و خدمات تولیدشده توسط ملت در وهله اول توسط خود مردم در همان اقتصاد خریداری و پشتیبانی نشوند، چگونه انتظار مصرف آن توسط ملل دیگر وجود دارد؟ به طوری که یکی از دلایل اصلی عدم توانایی و امکان صادرات کالاها و خدمات ملی به دلیل عدم توانایی تولیدات ملی در تأمین نیازهای داخلی است. حمایت مردم از تولید ملی است که تعیین می‌کند اقتصاد یک کشور با هر میزان قوت یا ضعفی، چه آینده‌ای را می‌تواند برای خود تصویر کند.

اقتصاد کشورهای دسته سوم محکوم به شکست، زوال و نابودی است و تارسیدن به خط پایان مجبور به فروش دارایی‌ها، ثروت ملی و در صورت وجود فروش منابع طبیعی و در مرحله پایین‌تر و حوضی رکود محکوم به تبدیل شدن به مستعمره سایر ملت‌ها دارای توان صادراتی هستند. بدون شک تصور آینده مطلوب برای اقتصاد کشوری که مردم و دولتشان از تولیدات ملی آن حمایت نکنند، کاری مشکل و بعید است. در تشریح اهمیت تولید ملی به چند کانال تأثیرگذاری تولید ملی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کنیم:

طبق اصول اولیه علم اقتصاد اگر یک ملت را مانند یک خانواده یا فرد و یک کارگزار نوعی در نظر بگیریم، یک ملت درآمد خود را با مصرف یا پس‌انداز می‌کند که پس‌انداز به صورت صادرات کالا و خدمات مازاد مصرف ملت به سایر ملت‌های دنیا صادر می‌شود، اما اگر این واحد اقتصادی (ملت) قادر به پس‌انداز بین‌المللی (صادرات) نباشد، نشان‌دهنده ضعف تولید ملی در درون این واحد اقتصادی است.

همچنین تولید ملی و صادرات آن به معنای صادرات فرهنگ، تمدن و تفکر یک ملت به سایر ملت‌های دنیاست. امروز اگر جمهوری اسلامی ایران دچار تهاجم فرهنگی گسترده است، یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذار این تهاجم فرهنگی از طریق ورود کالاها و خدماتی و ضعف تولیدات داخلی است که نوع مصرف، پوشش، ارتباطات، اوقات فراغت و حتی نوع پس‌انداز (دلار جزو مهم‌ترین اجزای سبک پس‌انداز ملی شده است) ملت ایران را تغییر داده است.

در دنیای سیاست در قرن ۲۱ افزایش قدرت از کانال تولید ملی و به صورت ایجاد کارخانه‌ها و شرکتهایی با قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی و مقاصد گسترده صادراتی، از قدرت نظامی نیز مهم‌تر است. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران نیز می‌بینیم که دشمن با ابزار نظامی وارد میدان جنگ نمی‌شود بلکه از کانال ضربه به اقتصاد ملی و تولیدات داخلی در صدد ضربه به نظام جمهوری اسلامی است.

همچنین در صورتی که تولید کالا و خدمت در سطح ملی پویایی لازم را نداشته باشد، تقاضای مؤثر برای عامل کار مشکل نمی‌گردد، در نتیجه اقتصاد ملی با پدیده بیکاری مواجه می‌شود، زیرا اشتغال در سایه تعادل دو عنصر اساسی شکل می‌گیرد: ۱- تولید (تقاضای کار) ۲- نیروی انسانی مناسب تولید (عرضه کار). افزایش مصرف داخلی تولیدات ملی و در یک سطح بالاتر افزایش صادرات آنها منجر به کاهش بیکاری، تقویت ارزش پول ملی، افزایش درآمد‌های مالیاتی دولت و کاهش وابستگی به نفت، کاهش تورم و در نهایت مهم‌ترین نتیجه یعنی کاهش فقر و نابرابری در جامعه می‌شود که از آرمان‌های انقلاب و اسلام است.

